

(ن. روشن)

سال ۲۰۰۷، خونین ترین سال بعد از حضور نیروهای ایالات متحده در افغانستان!

سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۷ را برای افغانستان، خونین ترین سال بعد از هجوم
امریکائیان اعلام کرد!

سالهای جنگ برای مردم افغانستان همیشه خونین و فاجعه بار بوده است، اما از
اینکه چرا سال ۲۰۰۷ را «خونین ترین» سال نام گذاشتند، برای آنست که رقم تلفات
نیروهای خارجی «ناتو» به تناسب سالهای قبل، بسیار بلند بوده است!

«طالبان» که بعد از یورش امریکائیان به افغانستان، شکست خورده تلقی می شدند،
امروز در موجودیت بیش از چهل و دو هزار نیروی «ناتو» مجهز با مدرن ترین سلاح و
پیشرفته ترین تکنالوژی نظامی، نه تنها شکست نخورده اند، بلکه یگانه نیروی
سازمان یافته ای نظامی در برابر حضور غرب در افغانستان به شمار می آیند.

دلایل این برتری نظامی و عدم پیروزی «ناتو» در تسخیر افغانستان و قلع و قمع
مخالفین، تنها در نبرد و مقاومت طالبان نبوده، بلکه ناشی از ازدیاد روز افزون نا
رضایتی مردم از دولت موجود و شیوه های عمل قوتهای غرب در افغانستان نیز است،
که خود بخود به نوعی به طالبان کمک نموده و به آنها این برتری را بخشیده است،
چنانچه در گزارش استثنائی وزیر دفاع ایالات متحده، این کمبود و ضعف بسیار
برجسته انتقاد شده است.

ولی آنچه نیروهای نظامی غرب را بیشتر در این جنگها دست و پاچه و ورشکسته
ساخته، حملات انتحاری طالبان است که بر اساس تجارب گروه های «القاعده» و

«حماس» در سرزمینهای اشغالی در عراق و فلسطین، اینک راه به سوی افغانستان باز نموده است. در جریان سال ۲۰۰۷ بیش از (۱۴۰) حمله انتحاری در افغانستان صورت گرفت که علاوه از خسارات مالی، تلفات و قربانیهایی فراوانی بجا گذاشته است.

نیروهای «ناتو» به رهبری ایالات متحده آمریکا، که روز تا روز در باتلاق جنگ چریکی (حمله و گریز) با طالبان عاجز و گیر مانده شده اند، هنوز هم به راه «حل نظامی» چسبیده اند و با اعزام (۳۲۰۰) سرباز تازه دم به افغانستان، در آرزوی پیروزی در این جنگ اند. تصمیم اعزام بیشتر سربازان به افغانستان را، دولت حامد کرزی و وزارت دفاع وی استقبال نموده و آنرا نشانه ای از حمایت جامعه بین المللی بویژه ایالات متحده دانست، اما این تصمیم در صحبت سخنگوی وزارت خارجه افغانستان، بازتاب دیگری داشت و از (شکل افغانی دادن) «جنگ علیه تروریسم» یادآوری شد و بر تجهیز اردوی ملی که کم مصرفتر و مفیدتر از اعزام بیشتر سربازان است، تأکید صورت گرفت.

آنانیکه مخالف اعزام بیشتر سربازان و در عوض خواهان تجهیز اردوی ملی افغانستان اند، شاید به این مسأله تا هنوز نیاندیشیده اند، که تجهیز اردوی ملی کنونی که در ترکیب آن اکثر تفنگداران دوران «جهاد» قرار دارند، نفعی برای (جنگ علیه تروریسم) به رهبری آمریکا به بار نمی آورد. چگونه اردوی ملی افغانستان را، که در ترکیب آن افراد مربوط به گروهها و تنظیمهای مختلف جهادی، که در گذشته تحت نام اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی، به جهاد فرا خوانده شده بودند، امروز در دوران «اشغال مجدد»، که سهم و نقش مجاهدین نیز روز تا روز در دستگاه دولت کمرنگتر شده میروند، بر ضد «طالبان» و «القاعده»، که از تداوم «جهاد» خبر میدهند، بکار برد؟!

سال ۲۰۰۷ نه تنها در عرصهء نظامی و ایجاد امن و ثبات دستآوردی به همراه نداشت، بلکه برای دولت حامد کرزی که در برابر بزرگترین وظیفهء ملی و تاریخی (امن و ثبات و عمران دوبارهء افغانستان) قرار دارد، نیز سال کار و موفقیت نبود و کنفرانسهای بین المللی پی در پی در مورد افغانستان، هیچ دردی را مداوا نکرد و فقط دلخوش کننده و فریب دهنده بوده اند. هنوز نتایج کنفرانس لندن که کمتر از یکسال قبل دایر شد، اعلام نگردیده، که اکنون از کنفرانس پاریس تبلیغات گسترده ای در جریان است.

اما آنچه مانع و سد راه عمران مجدد افغانستان بوده است، علاوه از ادامهء جنگ و نبود یک برنامهء روشن و صداقت در عملکرد تعهد های غرب، یکی هم بی کفایتی دولت و موجودیت فساد و مافیای درون دستگاه دولت و تقابل همیشگی پارلمان و حکومت به شمار میرود. مردم افغانستان که از وعده های میانتهی و بی ثمر خسته شده اند و دیگر «کار» به استخوان رسیده است!، امیدوار اند تا ایالات متحده و سازمانهای بین المللی، واقعیت های دردناک افغانستان و پی بردن به حساسیت افغان ها در برابر بیگانگان مسلح و شیوه های حل نظامی مسایل افغانستان، که در گذشته نیز نا کارائی خود را ثابت ساخته است، در نظر گرفته و به درد و رنج طولانی مردم افغانستان پایان بخشند. /

18022008

www.ayenda.org